

سوزّه‌های ناآرام



احمد غلامی

خیلی دور از انتظار نیست که انسان به‌مثابه زمینه تفکر، جایگاه خود را از دست داده باشد. این پرت‌شدگی انسان از موضوع شناخت، او را دچار بی‌هویتی کرده است. شاید بی‌دلیل نیست که هر آدمی در هر جایگاهی درصدد تعریف خود به‌عنوان سوزّه‌ای منحصربه‌فرد است. اینکه می‌گوئیم هر جایگاه‌هی، واقعا اغراق‌آمیز نیست؛ ازجمله ترامپ پدیده نوظهوری است که در دنیای مدرن بی‌سابقه است. رئیس‌جمهور کشور قدرتمند و پیشرفته آمریکا، همان نیاز به توجه را دارد که صاحب یک مغازه خرده‌فروشی یا یک پزشک یا استاد دانشگاهی در ایران دارد. این یک مسئله و بحران جهانی است که دیگر انسان، سوزّه قابل اعتنایی برای خود و دیگران نیست. جایگاه مطلوب و نامطلوب آدم‌ها را در کشورها، نحوه اجرای قانون معین می‌کند، نه انسان‌دوستی و عشق و انسان به‌ماهو انسان. اگر در کشوری قانون به‌درستی اجرا شود، وضعیت برای مردمان آن دیار مطلوب‌تر است و اگر قانون اجرا نشود، نامطلوب‌تر. قانون، شان انسان‌ها را در محدوده قانون محترم می‌شمارد، اما در روابط شخصی آدم‌ها با یکدیگر، خنثی عمل می‌کند. به یک معنا، قانون در برابر سوزّه‌های عاطفی و انسانی خنثی است. آنچه به زندگی آدمی معنا و عشق می‌دهد، درهم‌تنیدگی روابط انسانی در هر موقعیتی و جایگاهی است. انسان‌دوستی و عشق به هم‌نوع، مفاهیمی در دست فراموشی است و آدمی برای اینکه نیاز خود به عشق و دوست‌داشتن را برآورده کند، ناگزیر است از خود تعریفی ارائه دهد که مورد توجه عقل و قلب دیگران قرار گیرد، آن‌هم دیگری که خود از این موضوع رنج می‌برد. معضل و مسئله امروز دنیا، غیاب سوزّه‌شدگی آدمی است. آدم‌ها با اینکه به واسطه رسانه‌های مجازی در معرض رویت همیشگی قرار دارند، اما این رویت بیش از آنکه عطش‌شان را فرونشاند، تشنه‌ترشان می‌کند. امروز ما بیش از هر زمان دیگری در پی اثبات خودمان و قابلیت‌هایمان هستیم و عجا هرچه بیشتر تلاش می‌کنیم، کمتر به آن دست پیدا می‌کنیم و ناگزیر می‌شویم برای رویت‌پذیری دست به هر کاری بزنیم. این وضعیت یک بحران اخلاقی ساده و زودگذر نیست؛ بحرانی عمیق است که ریشه در سیاست‌ورزی دولتمردان و جامعه ما دارد. بحران هویتی سال‌های سال به تدریج رشد فراینده‌ای پیدا کرده است. جامعه ایران دو حادثه مهم جمعی را پشت سر گذاشته که در آن تفکر جمعی یا ایدئولوژی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. در این شرایط فرد به معنای شخص و هویت شخصی‌اش چندان محل اعتنا نیست. سیاست‌ورزی‌های یک‌جانبه و نگاه توده‌وار به مردم یک کشور، آغاز فرایند نادیده‌انگاری و انزوای مردمی است که در سرزمین خود بیگانه شده‌اند. سال‌ها و سال‌ها این تفاوت‌گذاری در ایران راجع بوده است. آدم‌هایی که دیده نمی‌شوند، بسیار بیشتر و پرتعدادتر از کسانی هستند که رویت‌پذیرند. این عدم تقارن به کینه دامن زده است؛ کینه‌ای که ناچار مردم را علیه مردم برانگیخته است.

شنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۴
۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
۱۸ اکتبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۳۱
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

گزارش «شرق» از انتقادات روزهای اخیر به روحانی و ظریف

فرصت تسویه حساب

گزارش تشریک را در صفحه ۲ بخوانید

علی لاریجانی با سفر به مسکو پیام رهبر انقلاب را به پوتین تقدیم کرد

رمزگشایی از یک سفر

این دیدار در شرایطی انجام شد که پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر به شورای امنیت بازگشته و مذاکرات میان ایران و غرب در بن‌بستی جدی گرفتار شده است

یادداشت

ما که جز تکرار هشدار، چاره دیگری نداریم



مهدی‌داحمدی‌شیخانی

شکایتی هم نشود و به دادگاه هم برود و همین هیئت‌منصفه‌ای که گفته می‌شود جز یکی، همه اعضای آن از جناحی خاص هستند نیز رای به تعطیلی آن مطبوعه بدهند؛ بعدش چه؟ یادم هست زمانی هر صبح جلوی دکه روزنامه‌ها صف بسته می‌شد تا شماره جدید روزنامه‌ها بیاید و هرکس دو، سه روزنامه می‌خرد و در هفته‌های آخر قبل از آن توقیف تعدادی از مطبوعات را با استناد به قانونی که مربوط به دیوانگان و مجانین بود، یک‌شبه جمع کردند، تیراز برخی از روزنامه‌ها به یک میلیون نسخه در روز رسیده بود؛ توجه کنید، یک میلیون نسخه در روز، آن‌هم فقط یک روزنامه و الان؟ الان تیراژ همه روزنامه‌های کشور روی هم به صد هزار نسخه در روز هم نمی‌رسد و بسیاری از آنها هم برگشتی است، یعنی تا غروب روی دکه می‌ماند و بعد جمع می‌شود و برگشت می‌خورد. ده‌های روزنامه را ببینید؛ اسمش دکه روزنامه‌فروشی است، ولی به‌واقع یک کیوسک تنقلات و سیگار است، یک مغازه کوچک کنار جوی آب، فقط همین. حالا فکر کنید یک هیئت‌منصفه‌ای تشکیل شده و قانون مطبوعاتی هم داریم که کلاً قرار است در کشوری که به‌زودی به مرز صد میلیون جمعیت می‌رسد، ذره‌بین بگذارد و این تیراژ صد‌هزارتایی را کاوش کند که چه بشود؟ که آی خطا کرده‌ای؟ آن‌هم در جهانی که رسانه‌ها همه جامعه را تحت پوشش دارند و زورمان به هیچ‌کدام‌شان نمی‌رسد. یعنی قانون مطبوعات و کلی دنگ‌وفنگ داریم، ولی نمی‌توانیم کاری به آن رسانه‌ای که مردم اخبار و گزارش و مطالب‌شان را از آن می‌گیرند، داشته باشیم. داستان عجیبی است، نمی‌گویم خدای‌ناکرده مسخره، ولی وقتی کشور مرجعیت رسانه‌ای‌اش را از دست داده و شبکه‌های ماهواره‌ای هستند که مردم را تغذیه می‌کنند، حالا شما بیا برای روزنامه‌ای که فوق‌فوقش پنج هزار نسخه تیراژ دارد، دادگاه برگزار کن و محکومش کن و تعطیلش کن. اینکه بیشتر به شوخی شبیه است. تیراژ روزنامه پنج هزارتاست که تازه نصف آن هم برگشت می‌خورد و شما می‌خواهید برایش هیئت‌منصفه تشکیل بدهید؟

آن کسی که دارد افکار عمومی را تخریب می‌کند و دروغ می‌گوید و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، کسی دیگر است، نه کل کلِ مطبوعاتی که از ریز و درشت، تیراژشان سرجمع صد هزار نسخه نیست. اینهایی که شما برایشان هیئت‌منصفه ترتیب داده‌اید، بهترین قسمت ماجرای رسانه‌ای هستند و اتفاقاً اینها همان‌هایی هستند که از همه بیشتر احترام‌ها را نگه می‌دارند و از همه دلسوزتر هستند. اگر هم قرار باشد کسی، روزی به کار بیاید، همین‌ها هستند. کمی به عقب نگاه کنید؛ آیا تعطیلی یک‌شبه مطبوعات، غیر از اینکه مرجعیت رسانه را از کشور خارج کرد، اثر دیگری هم داشت؟ الان مثلاً هیچ دفاعی در مقابل این‌همه تلویزیون فارسی‌زبان ضد ایرانی داریم؟ اینکه با رسانه‌های داخلی چنین کردیم، جز اینکه به نفع رسانه‌های ضد ایرانی بود، فایده دیگری هم داشته است؟ البته می‌دانم این گفته هم شنونده ندارد، ولی برای ما اصحاب رسانه، جز هشدار چاره‌ای نمانده است.



جعفری، برترین مربی فوتبال زنان آسیا
تاج بر سر مرضیه

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از بررسی تجربه‌های پیشین حجاب در ایران و ادعای استفاده از ۸۰ هزار نیروی آموزش‌دیده

نقطه سر خطِ پوشش

گزارشی از سال آبی کم‌بارش که معیشت و کشاورزی ایران را زیر فشار گذاشته است

مزارع در مضیقه

نگاه

گزارشی از سفر به خوزستان

قصه‌های خونی‌وش

یادداشتی از علی‌اصغر سیدآبادی



گفت‌وگو با رضا کوران و سعید چنگیزیان، کارگردان و بازیگر نمایش «رامسس دوم»

حق داشتن چه فایده‌ای دارد وقتی تنهایی

یادداشت

تغییر اولویت‌ها از ایمنی تا امنیت غذایی



حمیدرضا اکبرپور

پژوهشگر ارشد مرکز تحقیقات استراتژیک خاورمیانه

چندی پیش گزارشی با عنوان «خم گرسنگی بر صورت کودکان ایرانی» به قلم نیلوفر حامدی در روزنامه «شرق» منتشر شد و موضوع امنیت غذایی را بار دیگر مطرح کرد. این گزارش براساس پژوهشی بود که به کوشش جمعی از داوطلبان یکی از نهادهای مدنی تهیه شده بود؛ پژوهشی که حاصل بررسی داده‌های آماری وزارت بهداشت، مرکز داده‌های باز ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس، اداره امور فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی سازمان غذا و دارو و همچنین رصد میدانی مناطق مختلف کشور بود. در گزارش مذکور به بحران تغذیه پرداخته و بیان شده که وضعیت اقتصاد، بی‌کاری و اعتیاد خانوارهای فرودست جامعه سبب شده است سفره‌های آنها روزبه‌روز کوچک‌تر شود.

تجهیزات پیشرفته

تصویربرداری

صدابرداری

نورپردازی

ضبط با کیفیت ۴K

تدوین حرفه‌ای

استودیو شرق

نقطه آغاز تولیدات حرفه‌ای شما

اگر به دنبال فضایی حرفه‌ای و مجهز برای تولید محتوای ویدئویی هستید، استودیو شرق انتخابی ایده‌آل است.

اجاره استودیو به صورت ساعتی

محیطی آرام، مدرن و مجهز

شماره تماس: ۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴